

اوصاف شیعیان واقعی در وصایای امام محمدباقر علیه السلام (۹) *

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این متن شرحی است بر تفسیر اوصاف شیعیان واقعی از منظر امام باقر علیه السلام در توصیه به جابر بن یزید جعفی است. از نظر آن حضرت، یکی از اوصاف شیعیان واقعی این است که باید با پرهیز از حرص، قناعت نموده، شیرینی زهد و زهدورزی را با کوتاه کردن آرزو چشید. در بحث‌های اخلاقی قناعت در مقابل حرص، زهد در مقابل وابستگی به دنیا و دستیابی به شیرینی زهد، با کوتاه کردن آرزو به دست می‌آید. اصولاً باید بین دلبستگی به دنیا و تلاش و کوشش در امور دنیایی تفاوت قائل شد. دلبستگی به دنیا و هدف قرار دادن آن در زندگی، حب دنیا است و این امر ریشه بسیاری از بدی‌ها و پلیدی‌هاست، اما تلاش و کوشش در امور دنیا، برای کسب درآمد و پیشرفت علمی نکوهیده نیست. یکی از بهترین راه‌کارهای دل‌کنند از دنیا این است که انسان بخشی از چیزهایی که دوست دارد، در راه خدا انفاق کند. همچنین، بین آرزوهای طولانی و بلندهمتی، باید تفاوت قائل شد. آرزوهایی که به کمال و قرب الهی منجر می‌شود، بلندهمتی است و امری پسندیده می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیعیان، حرص، زهد، آرزو، آرزوهای کوتاه.

«وَأَنْزَلَ سَاحَةَ الْقَنَاعَةِ بَانْتِغَاءِ الْجِرْصِ، وَأَدْفَعَ عَظِيمَ الْجِرْصِ بِإِيْتَارِ الْقَنَاعَةِ، وَاسْتَجْلِبُ حَلَاوَةَ الزَّهَادَةِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ»؛ با پرهیز از حرص، در آستان قناعت فرود آی و با قناعت، حرص بسیار را دور کن و شیرینی زهدورزی را با کوتاه کردن آرزو به سوی خود بخوان.

تبیین برخی اصطلاحات اخلاقی

در این سه جمله، که کم‌وبیش به هم مربوطاند، به چند مفهوم اخلاقی اشاره شده است: قناعت در مقابل حرص؛ زهد در مقابل وابستگی به دنیا؛ و دستیابی به حالات زهد با کوتاه کردن آرزو. در مفهوم این اصطلاحات و نیز درباره تطبیق آنها بر مصادیق، اندکی ابهام وجود دارد: از یک سو، قناعت، مفهومی ارزشی و به این معناست که انسان به آنچه دارد و برای او حاضر است بسنده کند؛ اما آیا همیشه و همه‌جا باید به آنچه دارد اکتفا کند و قناعت، به‌طور کلی مطلوب تلقی می‌شود؟ آیا نباید برای زندگی خویش کار و تلاش کرد؟ آیا تلاش برای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و... نامطلوب است؟ آیا انسان همیشه باید به آنچه دارد اکتفا کند و شکر خدا را به‌جا آورد؟ از طرف دیگر، حرص مفهومی ضد ارزش است و برخی روایات آن را یکی از پایه‌های کفر دانسته‌اند. اینجا نیز این پرسش مطرح است که آیا ناپسند بودن حرص به این معناست که انسان همیشه باید همتی کوتاه داشته باشد و به دنبال چیزهای بااهمیت دنیوی نرود؟ افرادی که همت بلندی ندارند، چنین برداشتی از این‌گونه مفاهیم دارند و از آنجا که کار زیاد در حوصله‌شان نمی‌گنجد، خود را اهل قناعت و دوری از حرص معرفی می‌کنند، و در واقع تنبلی خود را با استفاده از این مفاهیم توجیه می‌کنند. در باب کوتاه کردن آرزوها نیز این پرسش مطرح است که مفهوم آرزوی کوتاه چگونه با مفهوم علو همت، که محبوب خداست، جمع می‌شود؟ مصداق آرزوی کوتاه و همت بلند چیست؟ در مقام بررسی این بخش از روایت، توضیح مختصری درباره این‌گونه ابهام‌ها خواهیم داد.

پرهیز از تنبلی

اصولاً باید بین دل‌بستن به دنیا و کار و تلاش در امور دنیوی فرق گذاشت. دل‌بستن به لذات زندگی دنیا و هدف قراردادن لذایذ ناچیز دنیا همان حب دنیاست که نکوهیده است و در روایات ریشه همه بدی‌ها شمرده شده است: «حَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، ۱۳۳۹ق، ج ۳، ص ۳۳۹، ح ۱۹۰۳؛ ص ۷۷۱، ح ۲۵۹۳). کسی که لذت‌های مادی را هدف اصلی زندگی خود قرار داده باشد، طبعاً به امور معنوی و اخروی اهمیت نمی‌دهد. حتی افرادی هم که به آخرت

و ارزش‌های معنوی معتقدند، عملاً بسیاری از امور دنیایی را مقدم می‌دارند. ترجیح دادن زندگی دنیا بر زندگی آخرت و به‌عبارت‌دیگر، حب دنیا همان است که آیات و روایات آن را نکوهش کرده‌اند و حتی آن را نشانه کفر دانسته‌اند: «وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲-۳). در واقع چنین اشخاصی ایمان محکمی ندارند. خداوند متعال در جایی دیگر می‌فرماید: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى» (اعلی: ۱۶-۱۸). همه پیامبران در کتاب‌های آسمانی بر این نکته تأکید کرده‌اند که ترجیح دنیا بر آخرت شایسته نیست. بنابراین، لذت‌های مادی از این منظر بار منفی دارد و مطلوب نیست، اما کوشش در امور دنیا، اعم از کار کردن و کسب درآمد، آبادانی زمین، پیشرفت علمی و مانند اینها موضوع دیگری است.

منافات نداشتن زهد با کارهای دنیوی

از میان همه کسانی که در دنیای اسلام زاهد و بی‌اعتنا به دنیا شناخته شده‌اند، پس از پیغمبر اکرم ص، امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ص سرآمد و برجسته است. اگر هزار بار داستان زهد حضرت علی ص را بخوانیم باز هم تازگی دارد. فرماندهی بود که در میدان جنگ با دستان خود، بر کفش پاره‌اش وصله می‌زد. ابن عباس می‌گوید هنگامی که وارد خیمه فرماندهی شدم امیرمؤمنان ص را در حال وصله کردن کفش‌هایش دیدم و چون از دلیل کارشان پرسیدم، کفش را به من نشان دادند و از ارزش آن پرسیدند. گفتم این کفش ارزشی ندارد و کسی برای آن پولی نمی‌دهد. آن‌گاه حضرت فرمودند: «به خدا قسم، ارزش این لنگه کفش برای من از حکومت کردن بر شما مردم بیشتر است، مگر آنکه حقی را برپا کنم یا باطلی را از بین ببرم» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۷۶، خطبه ۳۳).

امیرمؤمنان علی ص که مظهر زهد و تقوا در عالم بود، چند قنات با دست خویش ایجاد کرد. کلنگ می‌زد؛ چاه حفر می‌کرد؛ و وقتی به آب می‌رسید می‌گفت: «این را وقف فقرا کردم» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۶۲ ح ۱۶۱۱۰). هنوز در اطراف مدینه چاه‌هایی هست که به «آبار علی» معروف است. امیرمؤمنان ص هسته‌های خرما را به دوش می‌کشید و دانه‌دانه آنها را می‌کاشت، هنگامی که سبز می‌شد با دست خویش آبیاری می‌کرد تا پس از سال‌ها درختان توتمندی می‌شدند، از آنها مراقبت می‌کرد و هنگامی که به بار می‌نشستند، آنها را وقف فقرا می‌کرد. این‌گونه فعالیت‌ها هیچ منافاتی با زهد و بی‌رغبتی حضرت به امور دنیا نداشت؛ چراکه او این کارها را برای رضای خداوند متعال انجام می‌داد. یکی از وظایف انسان آباد کردن زمین خداست. خداوند دوست ندارد زمین، بایر بماند و درختان خشک شوند. خداوند متعال

شرع و خلاف عقل باشد. این سفارش کسانی است که دردها را به خوبی می‌شناسند و می‌دانند چه چیزهایی ممکن است دنیا و آخرت انسان را تباہ کند؛ از این رو، باید هشدارهای آنها را جدی گرفت.

طول الأمل به چه معناست؟ آیا طلبه‌ای که با آرزوی تبدیل شدن به شخصیت بزرگ علمی یا رسیدن به درجهٔ اجتهاد درس می‌خواند، گرفتار درازی آرزوست؟ آیا آرزوی تبدیل شدن به مخترعی بزرگ یا صنعت کاری فوق‌العاده برای کسی که به کار صنعتی می‌پردازد ناپسند است؟ اگر چنین آرزوهایی نباشد، فعالیت‌های زندگی خاموش و ساکن می‌شود و ترقی و پیشرفتی در جامعه پدید نمی‌آید. اگر هر دانش‌آموزی به گذراندن دورهٔ ابتدایی اکتفا کند و آرزو نداشته باشد که مثلاً استاد دانشگاه، دانشمند، فیلسوف یا مرجع تقلید شود، دیگر درس نمی‌خواند، پس معنای ناپسندبودن آرزوهای طولانی چیست؟

«أمل» در لغت به معنای آرزوست و آرزو چیز بدی نیست. مفهوم دو واژهٔ آرزو و امید، بسیار به هم نزدیک است. اما آرزو در مفهوم اخلاقی آن، انسان را از وظایف شرعی و کارهای ارزشمند بازمی‌دارد. کسی که آرزو دارد اولین ثروتمند دنیا شود یا در رشته‌ای ورزشی قهرمان شود تا نام و آوازه به دست آورد، از تکالیف بالفعل باز می‌ماند و سرگرم آرزوهایش می‌شود. چنین آرزوهایی در اخلاق اسلامی ناپسند است. آیا می‌توان زندگی در قفس حیوانات درنده را با انگیزهٔ ثبت رکورد، امری مطلوب و دارای فایدهٔ عقلی تلقی کرد؟

در اخلاق و فرهنگ اسلامی، آرزوهایی که به کمال و قرب الهی می‌انجامد، بلندهمتی و علؤ همت تلقی می‌شود. اینکه انسان آرزو داشته باشد با تلاش در مسیر تقوا، علم، صنعت، مدیریت و مانند اینها پیشرفت کند تا به جامعه خدمت کند یا آرزو داشته باشد با کسب ثروت زیاد به همهٔ فقرای شهر رسیدگی کند نکوهیده نیست؛ هرچند باید راه معقولی برای رسیدن به چنین آرزوهایی در پیش گیرد. از این رو، اگر پیش‌بینی کند که آرزویی به احتمال بسیار زیاد تحقق نمی‌یابد، چنین آرزویی خیال‌بافی خواهد بود؛ اما اگر راهی معقول و هدفی عقل‌پسند و مقبول شرع داشته باشد که دست‌کم پنجاه درصد هم تحقق آن پیش‌بینی شود معقول و بدون اشکال است؛ بنابراین آرزوهای طولانی ناپسند در فرهنگ اسلامی به معنای آرزوهای نامعقول و خلاف شرع است که انسان را از وظایف عقلی و شرعی‌اش بازمی‌دارد. چنین مفهومی در روایات اسلامی با عبارت طول الأمل بیان شده است.

قناعت و پرهیز از حرص

تعبیر امام محمدباقر (ع) دربارهٔ قناعت بسیار جالب توجه است. ایشان در مقام تشویق به قناعت، به‌جای استفاده از عباراتی نظیر اطلب القناعة،

می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (آل عمران: ۹۲)؛ یعنی خداوند از انسان‌ها می‌خواهد زمین را آباد کند.

امیرمؤمنان علی (ع) کار و تلاش می‌کرد و هنگامی که حاصل زحمت‌هایش به بار می‌نشست، آنها را به فقرا می‌بخشید، اما ما معمولاً وقتی زاهد و قانع می‌شویم که کاری از دستمان برنیاید یا به دلیل تنبلی و راحت‌طلبی حوصلهٔ کار کردن نداشته باشیم. یکی از ویژگی‌های انسان این است که حتی خودش را هم فریب می‌دهد. ابتدا ممکن است متوجه حقیقت باشد؛ اما خودش را به ندانستن می‌زند و کم‌کم فریب می‌خورد؛ بنابراین باید مراقب حیل‌های نفس باشیم.

نتیجه اینکه فعالیت، کار و تولید، وظیفه‌ای است که خدا از انسان خواسته است و باید انجام شود؛ اما زهد و قناعت به دل انسان مربوط می‌شود. انسان نباید به دنیا دل ببندد. آنجا که وظیفه دارد، باید مال خود را به راحتی ببخشد و حقوق واجب یا مستحب اموال خود را با رضایت خاطر ادا کند، نه آنکه با بهانه‌های واهی به‌گونه‌ای از بخشش مال خود طفره رود. آنچه مهم است دل‌ن بستن به دنیا و لذت‌های آن است. اگر انسان به رذیلهٔ اخلاقی حب دنیا گرفتار شود، به‌سختی قادر خواهد بود وظایف مالی خود را انجام دهد و حتی علم به عذاب دنیوی و اخروی هم نمی‌تواند او را از دوستی دنیا جدا کند.

اهمیت انفاق دوست‌داشتنی‌ها

یکی از بهترین راه‌های دل‌کنند از دنیا این است که انسان از ابتدا اندکی از چیزهایی را که دوست دارد، در راه خدا انفاق کند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲). براساس این آیه، یگانه راه رسیدن به خوبی و نیکی آن است که انسان از چیزهایی که دوست دارد در راه خدا انفاق کند. این راهکار را باید جدی گرفت. با عمل به این دستور حب دنیا از دل انسان رخت برمی‌بندد. بنابراین، زهد غیر از مسئلهٔ کار، تولید، آبادانی زمین، رسیدگی به دیگران و بالابردن سطح اقتصاد کشور در مقابل کفار برای حفظ عزت اسلامی است. اینها تکالیفی است که خداوند بر عهدهٔ ما گذاشته است.

تفاوت آرزوهای طولانی با بلندهمتی

در اخلاق اسلامی، آرزوهای طولانی بسیار نکوهیده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافُ عَلَيْكُمْ أَتَّئِنَّا أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۸، ص ۷۱ و ۷۲). هر امر مطلوب و موافق با هوای نفس بد و حرام نیست و چه‌بسا چیزی که دلخواه انسان است - مانند ازواج - شرعاً واجب یا مستحب باشد، اما منظور از هوای نفس در اخلاق آن دسته از خواهش‌های نفس است که خلاف

می‌فرمایند: «وَأَنْزَلَ سَاحَةَ الْقَنَاعَةِ»؛ در آستان قناعت فرود آی. زمینه بحث این بود که مؤمن در دنیا مشغول کشتی گرفتن با نفس خویش است. حضرت راه‌هایی را به مؤمن نشان می‌دهند که در این مبارزه زمین نخورد و سعی کند بر دشمن خود پیروز شود. یکی از این راه‌ها فرود آمدن در پیشگاه قناعت است. حضرت برای بیان این راه ارزشمند عرصه مبارکی را نشان داده‌اند و با تعبیری بسیار احترام‌آمیز درباره قناعت می‌فرمایند که سعی کن در این عرصه وارد شوی. این بیان نشان‌دهنده اهمیت بسیار زیاد قناعت است. بنابراین، مؤمن باید با احترام به قناعت بنگرد و سعی کند در آنچه مربوط به مصرف است قناعت کند. روشن است که معنای قناعت تبلی یا بیکاری نیست؛ زیرا قرآن کریم بر کاروتلاش تأکید کرده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). از این رو، قناعت به معنای اکتفا کردن به نیازمندی‌هاست.

حضرت در ادامه، برای ورود به عرصه قناعت پرهیز از حرص را توصیه می‌کنند؛ چراکه حرص، دشمن قناعت است و در روایات از پایه‌های کفر شمرده شده است (برای نمونه، رک: کلینی، ۱۳۲۹ق، ج ۳، ص ۷۰۹ و ۷۱۰، ح ۲۲۷۳)؛ یعنی اگر انسان آن را دنبال کند سرانجام به کفر می‌رسد.

قناعت؛ نابودکننده حرص

راهکار پرهیز از حرص چیست؟ یکی از خواسته‌های انسان این است که هر قدر هم از نعمت‌های دنیا بهره‌مند باشد، بازهم بیش از آن را طلب می‌کند، مثلاً نمی‌تواند به پس‌انداز خود - به هر میزان که باشد - بسنده کند. دستیابی به پُست‌ومقام یا برخوردار شدن از سایر نعمت‌های مادی نیز از این قبیل است. البته نکته این است که فطرت انسان، جویای کمال بی‌نهایت است؛ اما در مقام مصداق‌یابی و تطبیق، اشتباه کرده، می‌پندارد کمال او در برخوردار شدن از مزایای مادی زندگی است؛ در حالی که مطلوب حقیقی چیز دیگری است.

چنین خواستی در انسان طبیعی است و همواره دوست دارد از امکانات و نعمت‌های بیشتری بهره‌مند باشد. مهم این است که بدانیم راهکار گرفتار نشدن در دام حرص چیست. امام محمدباقر علیه السلام تعبیر «وَأَذْفَعُ عَظِيمَ الْجِرْصِ بِإِيثارِ الْقَنَاعَةِ» را به کار برده است. اگر انسان می‌خواهد حرص در وجودش ریشه نکند و او را به کفر نکشاند، باید قناعت بورزد و به دنیا دل نبندد، هر چند برای انسان تلخ است. برای کسی که وضع اقتصادی خوبی دارد و می‌تواند غذای لذیذ یا لباسی زیبا و جدید تهیه کند، سخت است که به غذای ساده و لباس‌های قدیمی‌اش قناعت کند، و دوست دارد سطح رفاه زندگی‌اش را پیوسته بالاتر برد. دلیل چنین تمایلاتی را باید در آرزوهای طولانی یافت؛ چراکه با دست یافتن به سطحی از رفاه در

خوراک، پوشاک، مسکن، شغل و... مرحله بالاتر را آرزو می‌کند. انسان برای مبارزه با حرص باید بیندیشد که مگر من چقدر به زنده ماندن خود یقین دارم؟ از عمر خود چقدر می‌توانم استفاده کنم؟ حقیقت این است که انسان می‌تواند از هر لحظه زندگی‌اش فایده نامحدود ببرد؛ می‌توان با گفتن یک سبحان‌الله صاحب درختی همیشگی در بهشت شد (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱)؛ یعنی صرف کردن یک لحظه برای تسبیح خداوند بهره‌ای ابدی در پی دارد. آیا شایسته است که انسان چنین عمر باارزشی را صرف به‌دست آوردن لباس زیباتر و بهتر، خانه وسیع‌تر، درآمد بیشتر و... کند؟! گاه انسان در همین دنیا از وقتی که صرف برخی درآمدها کرده است، پشیمان می‌شود و غصه می‌خورد که وقت رفتن او فرارسیده است و ثروتش به دست وارثان می‌افتد و اموالی که گردآورده است، نه تنها هیچ فایده‌ای برای او ندارد، بلکه چه بسا سبب اختلاف وارثان هم بشود؛ پس به چه دلیل انسان این همه ثروت جمع کند؟ عجیب است که برخی به ثروت فراوانی که برای هفت نسل آینده‌شان هم کافی خواهد بود، قانع نیستند و برای به‌دست آوردن اموال بیشتر تلاش می‌کنند. انسان حریص برای جمع‌آوری ثروت چنان غافل می‌شود و به اسارت خیالات و اوهام خود درمی‌آید که با وجود بهره‌مندی از ثروت فراوان، بازهم بر اثر آرزوهای طولانی و حرص، به دنبال افزایش آن است.

به کوتاهی زندگی بیندیش

بهترین راه مبارزه با آرزوهای طولانی این است که انسان به عاقبت آرزوها بیندیشد. به راستی رسیدن به این آرزوهای دورودراز برای انسانی که فرصت کمی برای زندگی دارد و مسافری بیش نیست، چه سودی دارد؟ انسان به جای این آرزوهای ناپسند، باید به آخرت خویش بیندیشد، و در راه عبادت بیشتر، تعلیم و تربیت گسترده‌تر، دستگیری از فقرا و خدمات عام‌المنفعه تلاش کند. اگر انسان به جای جست‌وجوی راه‌های خدمت به مردم و پیشرفت علوم (علوم دنیوی یا اخروی و البته علوم اخروی بسیار مفیدتر است) همواره در اندیشه افزایش ثروت خود باشد، به تکامل انسانی خویش ضربه زده است و احتمالاً در این راه از پایمال کردن حقوق دیگران دریغ نخواهد کرد و بدبختی جاودانی را برای خود خواهد خرید.

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح و تحقیق فیض الاسلام، قم، هجرت.
 صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۶ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، شریف الرضی.
 کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث.
 محدث نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک‌الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.